

نگاه

لایوهای اینستاگرامی، کرونا،دنیای واقعی وما



● **مجید خرمی**

● تتلو، ندا یاسی، دنیا جهانبخت، پویا مختاری، ساشا سبحانی و… نام‌های آشنایی برای بخشی از جوانان ایرانی است؛ همان‌ها که چند شب پیش با حضور ۶۲۶ هزار نفرشان در لایو تتلو و ندا یاسی رکورد اینستاگرام را شکستند و چند میلیون نفرشان هم فردای آن روز بخش هایی یا همه این لایو را دیدند.

واقعیت این است که تقویم زندگی مقداری دستخوش رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی شده و «کرونا» نظم رفتاری را به هم ریخته و جوانانی که سعی می‌کردند شب‌ها چندساعتی بخوابند، روزیج می‌دهند بیشتر شب‌ها بیدار باشند و شونزه و بیبنده برنامه‌هایی هستند که بخش عمده‌ای از آن حاوی کلمات مستهجن است. از منظر دیگر هم باید توجه داشت که شبکه‌های اجتماعی رفتارهای روزمره آنها را مثل بخشی از جوانان دیگر نقاط کیتی تغییر داده و اثراتش در گفتارها، رفتارها و حتی لباس پوشیدنشان مشهود است. حرف هم‌وطنان ما تنها نیست که امروزه از آن‌سوی دنیا هم از زبان پژوهشگران بریتانیایی می‌خوانیم که مدعی هستند اینستاگرام بیشترین تأثیر منفی را در سلامت جوانان جهان دارد. نمی‌دانم وقتی «کوبین سیستروم» و «مایک گرایگر» در سان‌فرانسیسکو قصد داشتند اینستاگرام را راه‌اندازی کنند، تصور می‌کردند این شبکه اجتماعی می‌تواند زندگی را در کشورهای مختلف تغییر دهد یا نه؟ ولی ایسن را خوب می‌توان از نشانه‌ها و برون‌دادها دریافت که بسیاری از کشورها برنامه‌های تقویم‌شده برای مواجهه با این پدیده ندارند و متأسفانه سیاست‌گذاران فرهنگی کشور ما نیز در همین شمار قرار می‌گیرند. بنابراین به‌جای حل مسئله ترجیح می‌دهند صورت‌مسئله را پاک کنند. این هم آسان است؛ انگشت و دکمه فیلتر و تمام. اما تمام نیست، باور کنیم تمام نیست. وضعیت کوچک و خیابان و حتی درون خانه‌ها هم نشان می‌دهد که نه‌تنها تمام نشده، بلکه ماجرا که هر روز دامن‌گسترتر از پیش هم می‌شود و یک به‌اضافه بزرگ و به قول امروزی‌ها یک «پلاس» هم دارد که می‌شود یک نوع دورزدن قانون به اسم استفاده از فیلترشکن! بگذریم، انکار فراتر از فیلتر فکری نکرده‌ایم و صداوسیما هم ظاهرا نقشی ندارد، فقط می‌خواهد هر روز سطره‌اش را افزون‌تر کند تا آنجا که نخواهد «جناب‌خان» ساخته خودش در کنسرت لایو گروه «لیان» حضور یابد شاید تیغ سانسورش بی‌تأثیر باشد. در شرایط کرونایی می‌گوییم مردم باید در قرنطینه باشند و خانواده‌ها هم فرزندانشان را درست کنترل کنند و حتی المقدور از خانه بیرون نروند. قبول، اما چگونه گذران وقت هم مهم نیست؟ راستی وقتی برنامه سامان‌یافته‌ای نداریم، حرف قضایا و رفتار مردم را داریم؟

فکر می‌کنم واقعیت‌ها را باید بپذیریم و بیکار برای همیشه با آن منطقی مواجه شویم تا درست تصمیم بگیریم؛ تصمیم‌هایی که راه را به سمت به‌روزی اجتماعی و فرهنگی و زیستی و… باز کند. من باور نمی‌کنم آنچه برخی‌ها به مسئولان ما منتسب می‌کنند و از تصمیم‌هایی



می‌گویند که گاهی می‌اندیشیم در پس فکرش چنین تصویری نهفته است که وقتی اقتصاد مردم با چالش جدی مواجه است، می‌شود برای لحظاتی پلک بر هم نهاده؛ بر تصمیم‌های سخت حفاظت از سلامت، یعنی در تراجم معیشت و سلامت گاهی جانب معیشت را گرفت، هرچند به ضرر سلامت باشد. خوب، وقتی نگاه عده‌ای – هرچند کوچک– این باشد، خودبه‌خود فرهنگ هم از اول صف اولویت‌ها باید جایش را در کمرکش صف تغییر دهد!

شاید بهتر است چشم بر هم بگذاریم تا همچنان تتلو و یاسی و امثالهم با لایوهایشان وقت جوانان را پر کنند و چندصد هزار دلار، شاید هم میلیون‌ها این وسط جابه‌جا شود. در مورد اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی هم بهتر است با وجود گستردگی اثرگذاری، مثل خیلی از مسائل به سبک مدرسه‌موش‌ها «اسمش را نبریم» …

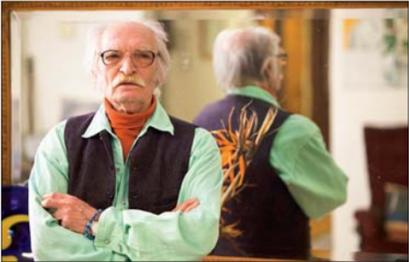
شرق: محمود دولت‌آبادی در یادداشت زیر که در ۲۲ فروردین در سایت «ایستا» منتشر شد، با اشاره به اینکه همه‌گیری کرونا به اقدام ملی و حتی منطقه‌ای و جهانی نیاز دارد، از سیاست‌های یک بام و دو هوا انتقاد می‌کند که از یک طرف قرنطینه و رعایت فاصله فیزیکی است و از یک طرف بازگذاشتن کرکره کسب‌وکار. بااین‌همه آرزو می‌کند باران مرگ‌ومیر سیلابی که دکتر حریجری هشدار داده بود، به راه نیفتد.

پیش از این در امپراتوری‌هایی که داشتیم، ساتراپ‌نشین‌های ما با پرداخت مالیات خودشان اداره می‌شدند و سرانهای هم از آن درآمد‌ها به خزانه‌ی مرکزی می‌رسید و انباشت می‌شد برای روز مبادای قحطی‌ها و بیماری‌ها و هجوم‌ها و چه و چه‌ها… درحالی‌که امروز چنان رابطه‌ای باژگونه شده است، خردمان زیر فشار تحریم‌های سخت به دشواری تاب آورده‌ایم – و تاب می‌آوریم در شرایط، درچه‌های دنیا هم بسته است به روی ما و خود پیدا نیست این باژگونی‌گی تا کسی دوام خواهد آورد؟ تاریخ و تجربه نشان داده است که بهترین خدمتگزاران هم اگر با افلاس ارباب مواجه بشوند، اولین اقدام‌شان پوشیدن پای‌افزار گریز است و جست‌وجوی بخشنده‌های تازه! اکنون از سویی توصیه‌ی هماد آگاه جامعه پزشکی کشور رای به این داده است که مردم منزوی و غیراجتماعی بمانند در خانه‌های خود تا بتوان بیماری را در نقطه‌ای به پایداری رسانید و پای‌سپ روانش کرد به‌سوی فرود و مهارش کرد و سرانجام از مهلکه‌ی آن نجات یافت. از سوی دیگر نظام اداری – خدماتی کشور قادر به تنظیم و ترتیب اداره‌ی اجتماعی نیست، زیرا در خانه نشانیدن مردم هزینه و قابلیت تدارکات لازم را طلب می‌کند که وجود ندارد، و در همین بدتر موقعیت احتمالا دولتِ مسئول نظر و امید به گشودن دریچه‌ای به جهان دارد که البته آشکارا به زبان نمی‌آورد، در نتیجه به چنین تصمیمی رسیده است که مردم به کسب‌وکار بپردازند تا ببینیم چه می‌شود؟! از دیگر سو، توده‌های مردم تمکین نمی‌کنند به توصیه‌های بهداشتی و حتی احکام حکومتی که «چرا»ی آن روشن است،

هنر

محمود دولت‌آبادی: یک بام و دو هوای قرنطینه و باز گذاشتنِ کرکره کسب‌وکار

در ستودنِ یآوری



زیرا این تمکین‌نکردن نه از نادانی، بلکه از ناتوانی است؛ به این معنای روشن که دهان باز به نان احتیاج دارد و نان به کار. پس قابل فهم است چنین عبارتی که «اگر بناسد در گرسنگی ذلیل شوم و بمیرم، باشد تا با کرونا بمیرم!» و در چنین شرایطی شما نمی‌توانی انتظار داشته باشی و بگویی که در فکر همسایه‌ات باش، چون واگیرشدن تو موجب گرفتاری همسایه‌ات هم خواهد شد. نه! چنان کس – کسانی خود را نمی‌توانند مکلف به رعایت‌های اجتماعی بدانند! صرف‌نظر از اینکه مردم کشور ما با مقوله‌ی «نظم به اختیار» چندان آشنا نیستند. پس در چنین موقعیت‌هایی زبان زور به کار آمدنی است، اگر شما بتوانی برای مدتی همچون چین نان و آب را به در خانه‌هایی برسانی – در خانه‌ی سی تا چهل درصد مردم! – و چنین اقدامی دشوار نمی‌نماید وقتی گفته می‌شود ۱۰ میلیارد دلار پس دست داریم برای احتیاط. اما این شیوه که انتخاب شده است، یعنی عادی‌شدن کسب‌وکار، به‌رغم درک و پیشنهاد مرکز بهداشت کشور و متخصصان بیماری فراگیر، در عمل یعنی راهدان به فراگیری و مهیای مرگ‌ومیر قلّه‌ای شدن. جمع‌وجورکردن انبوه مرگ‌ومیر هم کار آسانی نخواهد بود. اما در میانه‌ی این بحران فراگیر البته مردم ما خوشبختانه دست روی دست باقی نمانده‌اند

برای اولین بار، اکران اینترنتی فیلم سینمایی «خروج»

نسخه قانونی وقاجاق در کنارهم!



روش اینترنتی بشود این کار را انجام داد که در سینمای ایران تا حالا رخ نداده و ما پیشگامان این مسیر شناخته می‌شویم. به‌هرحال این روش هم شدنی است و دیگر دارد جواب می‌دهد. مردم این روزها در خانه‌هایشان هستند و در کنار عزیزانشان و چه خوب که ما هم از این فرصت استفاده و شما را در این فیلم شریک کنیم. من امیدوارم این نوع بلیت‌خریدن و این سنت جدید را انجام دهیم و خانواده در کنار هم این فیلم را ببینند. خدا را شکر می‌کنم که فیلم من از نوعی است که کاملا می‌تواند خانواده در کنار هم باشند و این فیلم را ببینند. من امیدوارم که خدای نکرده داندلودی صورت نگیرد و به شکل غیرقانونی فیلم پخش نشود. البته معتقدم مردم ما به حدی در حوزه‌های فرهنگی فهیم شده‌اند که می‌دانند این کار یعنی ضربه‌زدن به ارکان تهیه این

و نمی‌مانند، چنان‌چه پیش از این آشکار و پنهان به یاری برخاسته بوده‌اند، برخاسته‌اند و باز هم برمی‌خیزند. نیکوکاران که امروزه خَیَرنِ نام گرفته‌اند دست یآوری از آستین همت بیرون آورده و به کمک شائقه‌اند.کارهایی به تناسب. چنان‌چه در دوره‌ی جنگ و دفاع هر آن‌چه در توان داشتند، در زلزله‌ها و سیل‌ها هر چه در توان داشتند، و در ساخت و آماده‌سازی مدارس، درمانگاه و حتی بیمارستان (چنان‌چه در زنجان) آن‌چه در توان داشتند به انجام رسانیدند و در این بحران هم هرچه از دست و توان‌شان ساخته باشد، انجام خواهند داد. فی‌المثل همشهری‌های من اهل سبزوار برای خرید وسیله‌ی کمک‌تنفسی مبالغی فراهم آورده‌اند بلکه بتوانند چنان نیاز بیمارستانی در سبزوار را برآورده کنند. فرخنده است برداشتن چنین گام‌هایی و پسندیده. اما چون پرسیدم سرجمع چند دستگاه کمک‌تنفسی با مبلغ فراهم‌آمده می‌توان خریداری کرد، پاسخ شنیدیم با احتساب این‌که چهل درصد از قیمت را وزارت بهداشت تقبل می‌کند، دو دستگاه! دیگر نپرسیدم جمعیت شهری که وقتی ترک آن کردم چهل هزار نفر (یا خانواده؟) ساکن داشت اکنون سرانه‌ی جمعیت آن چه تعداد است و چه تعداد بیمار نیازمند کمک تنفس‌اند و چه تعداد مبتلا، و بستری چه تعداد؟ قطعاً تناسب منطقی وجود ندارد. البته همت نیکوکاران محل قدردانی است. اما دروغ!.. این رویداد همه‌گیر با بستن جیب و بند بر روی یک زخم نیست که دل از آن آرام بگیرد؛ نه! این فراگیری به اقدام ملی و حتی منطقه‌ای و جهانی نیاز دارد. به نظم و قاطعیت و ثروت و تدبیر و اراده نیاز دارد. درهای بزرگ به درمان‌هایی به همان نسبت درد محتاج است و در این کنج که گشته‌ام فقط می‌توانم آرزو کنم که آن سیل (هشدار دکتر حریجی) به راه نیفتد با وجود این یک بام و دو هوایی که اعمال شده، یعنی یک طرف قرنطینه و درخواست رعایت فاصله‌ی فیزیکی و یک طرف بازگذاشتن کرکره‌ی کسب‌وکار به سبب نیاز به بودجه‌ای که در خزانه نداریم و درچه‌های دنیا را هم بسته می‌بینیم به روی خود و هم به روی ما «! این جاست که فقط می‌توانم آرزو کنم آن باران مرگ‌ومیر سیلابی به‌راه نیندازد.

مجموعه آثار عاطفه حیدری باعنوان «اسارت‌زمان»

در کارلی «سلمان» به نمایش درآمد. این مجموعه شامل ۲۹ اثر است که روایتگر حالات روانی در لحظات گوناگون است. تکنیک این مجموعه میکس‌مدیاست

در برخی از آنها با روان‌نویس و مازیک و برخی دیگر با اکریلیک و ورق طلا و نقره کار شده است. این آثار، نقاشی‌های ذهنی هنرمند است که به «دودلینگ‌آرت» شباهت دارد و از واقع‌گرایی دوری دارد شده و به سمت و سوی دفرمه‌شدن و نوعی بداهه‌نگاری پیش رفته

موضوعی که دوباره بحث جانسوز داندلود غیرقانونی را مطرح کرد و جالب است در گفت‌وگویی که «شرق» در سالنامه ۱۳۹۹ با یکی از فعالان مبارزه با قاچاق کرده بود، موضوع پرتنگ‌شدن دوباره قاچاق فیلم‌ها در این روزها مطرح شده بود. «نوشیروان نعیمی»، مسئول عملیات ستاد حمایت و صیانت از آثار فرهنگی و هنری، در این گفت‌وگو عنوان کرده بود: «الان من به شما می‌گویم تمام سوپرمارکت‌ها پر از سی‌دی‌های قاچاق است و مردم هم که اطلاع ندارند کدام اصلی است و کدام قاچاق؛ اما من می‌دانم زیر نظر چه کسانی انجام و کجاها تولید می‌شود. به من ارتباطی ندارد، چون دستور قضائی ندارم. من تا‌به‌حال بدون دستور قضائی و حکم، قدمی برنداشته‌ام. به شما می‌گویم حل این کار به‌جز ما و اتحادیه تهیه‌کنندگان، کار کس دیگری نیست؛ به شرطی که تهیه‌کنندگان مثل زمان داروغه‌زاده وارد عمل شوند، چون تهیه‌کنندگان دلسوز اموال خودشان هستند و در جلسات مکرر شرکت می‌کنند. آقایانی که پشت میز ادارات مختلف می‌نشینند، هرگز دلشان به حال تاراج اموال تهیه‌کنندگان نمی‌سوزد، چون تهیه‌کنندگان هوای خود و بچه‌های ذی‌نفع در سینما را دارند. من تا ساعت دو و سه شب با آقای فرحبخش در تماس بودم و گزارش می‌دادم. تمامی کسانی که در وزارت ارشاد آمده و رفته‌اند، رای ما قابل احترام هستند، اما همین‌جا می‌گویم مادامی که کار به این صورت پیش برود، جلوی قاچاق گرفته نمی‌شود. البته جمع‌کردن این کارها هم سخت عنوان کنید، سینما صاحب این کار است.»

«خروج» در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد که در این اثر فرامرز قریبیان، پانته‌آ پناهی‌ها، کامبیز دیرباز، سام قریبیان، محمدرضا شریفی‌نیا، کیکی قاسمی

و جهانگیر الماسی به‌عنوان بازیگران اصلی به ایفای نقش پرداختند.

در حمایت از یک متهم به اختلاس و اخلال اقتصادی کشور، خطاب به ریاست محترم قوه قضائیه منتشر شده که موجبات تالم خاطر و نگرانی بخش عمده‌ای از مخاطبان فهیم سینمای ایران را فراهم کرده است. شورای‌اعمال تهیه‌کنندگان سینمای ایران بر خود فرض می‌داند تا به این دسته‌از همکاران خود هشدار دهد که اعتماد عمومی مردم عزیز کشورمان به سینمای ایران، کلاهی نیست که بشود آن را برای رسیدن به منافع شخصی به حراج گذاشت! همچنین امضاکنندگان مزبور باید توجه داشته باشند که اصلی‌ترین بلیه دهنه نوزربییگی،روح‌الله حجاری، پیمان قاسم‌خانی، احمد مهرانفر، مهدی کریم‌پور، تینا پاکروان، سعید قطبی‌زاده، خسرو نقیبی و… دیده شد که در این میان محسن تاننده، مهران احمدی، روح‌الله حجاری و مهدی کریمپور اصل

امضای خود را تکذیب کردند.اما در میان اسامی کیانوش عیاری بود که اصل امضای خود را حذف نکرد و در این باره توضیحاتی در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد؛ «امضای این نامه صرفا با نیت انسان دوستانه و با هدف فراهم‌شدن شرایط آزادی موقت یکی از تهیه‌کنندگان سینما و نمایش خانگی نوشته شده بود. بر همگان واضح و مبرهن است که نه ما در مقام قضاوت نشسته‌ایم و نه کسانی که بدون هیچ سند و مدرکی و تنها بر اساس شایده‌هایشان اصرار بر گناهکاریودن وی دارند. بنابراین واقفیم تشخیص این امر تنها بر عهده قوه قضائیه است و بس.»

واکنش به نامه آزادی‌امامی

همچنین شورای‌عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران به برخی از همکاران سینما پیرامون دخالت در پرونده‌های برخی از فعالان هشدار داد. متن اطلاعیه به شرح زیر است: «اخیرا نامه‌ای به امضای جمعی از سینماگران نیز در نامه‌هایی جداگانه به معاون اول رئیس‌جمهور، رئیس دفتر رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و معاون اقتصادی رئیس‌جمهور میزان خسارت وارده به این بخش تا پایان فروردین ماه جاری را بالغ بر ۹٬۷۶۰٬۹۲۱ میلیون ریال، معادل ۹۷۶ میلیارد تومان برآورد کرد و نیز به این نکته اشاره کرد که حمایت‌های پیشنهادی صندوق اعتباری هنر در سه بخش حق بیمه، سرانه درمان و جبران خسارت بی‌کاری پیش‌بینی شده است که شامل ۲۱۸٬۷۸۹٬۶۵۹٬۵۰۰ ریال حق بیمه برای ۳۵۵٬۰۰۰ نفر از اعضای صندوق، ۱۳۷٬۷۶۸٬۴۰۰٬۰۰۰ ریال سرانه درمان برای ۷۸۱۰۰ نفر از اعضا و ۱٬۴۳۹٬۹۸۰٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال برای جبران خسارت بی‌کاری هنرمندان در نظر گرفته شده است.

نگارخانه

نگاهی به نمایشگاه «اسارت‌زمان» عاطفه حیدری

همنشینی فرم‌های بیانگر



● **پژمان دادخواه**
● **پژوهشگر و منتقد**

● مجموعه آثار عاطفه حیدری باعنوان «اسارت‌زمان» در کارلی «سلمان» به نمایش درآمد. این مجموعه شامل ۲۹ اثر است که روایتگر حالات روانی در لحظات گوناگون است. تکنیک این مجموعه میکس‌مدیاست در برخی از آنها با روان‌نویس و مازیک و برخی دیگر با اکریلیک و ورق طلا و نقره کار شده است. این آثار، نقاشی‌های ذهنی هنرمند است که به «دودلینگ‌آرت» شباهت دارد و از واقع‌گرایی دوری دارد شده و به سمت و سوی دفرمه‌شدن و نوعی بداهه‌نگاری پیش رفته



است. در این آثار، زن محور اصلی تابلوها قرار گرفته که بیشتر آنها حس و حالی غمگین دارند و این حالت در چهره یا فرم دستان زن نمایان شده است. علاوه بر آن دورتادور شخصیت زن با خطوط و عناصر دیگر پوشیده شده و به طور کامل او را احاطه کرده و در بر گرفته است؛ گویی شخصیت تصویرشده، میان انبوهی از فرم‌ها و عناصر محدود شده است. همچنین انتخاب عناصر پیرامون شخصیت اصلی در راستای تقویت ایده و مفهوم ذهنی هنرمند بوده و آن را به خوبی نمایش داده است. به عنوان نمونه در کنار این شخصیت، تصویری از آپارتمان، گلدان گل، کاکتوس، پرند و اشیای دیگری دیده می‌شود

که مربوط به زندگی روزمره بوده و تکمیل‌کننده روایت زندگی و احوال اوست. هر کدام از این عناصر به ساده‌ترین فرم ممکن تصویر شده‌اند و از پرداختن به جزئیاتشان فاصله گرفته شده و به همین سبب از فضای رئال دور شده‌اند. به بیانی تمامی اشکال و عناصر تابلو، ساده‌سازی شده و به سمت فرم‌های ناب پیش رفته‌اند. فرم‌ها در این آثار با ظرافت و دقت هرچه تمام طراحی شده‌اند و همنشینی درست و دقیق آنها در کنار هم، تصویر مقبول و تأثیرگذاری را ایجاد کرده است. همچنین در این آثار -که بر خطوط فراوان استوار است- خطوط با دقت نظر رسم شده و همین امر نقطه قوت این مجموعه است و شاید این مسئله به نگاه گرافستی و تحویلات هنرمند برگردد، چراکه وی دانش آموخته رشته گرافیک است. علاوه بر شخصیت زن و سایر عناصر مرتبط با وی، بقیه سطح تابلو نیز با اشکال هندسی منظم و خطوط زیاد پر شده‌اند و در این آثار برارزش‌های بیانی خط تأکید شده است. طراحی کل کار و پوشاندن تمام سطوح، بیشترین تأثیر را بر بیننده می‌گذارد. انکار در این تابلوها، چشم خیلی مجال حرکت ندارد و بیننده متغلی می‌شود، که مد نظر هنرمند بوده، به بیننده منتقل می‌شود. در انتها می‌توان گفت اگرچه این آثار به سمت فرم‌گرایی پیش رفته‌اند، ولی تمامی این خطوط، نقطه‌ها، اشکال و احجام، روایتگر احوال حاکم بر شخصیتی است که تصویر شده و همه این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا حس و حالی که هنرمند مد نظر داشته، به بهترین شکل ممکن نشان داده شود.

چنانچه هنرمند در بخشی از بیابنه هنری خود

دراین‌باره می‌گوید: «کار من نقاشی این فریم‌ها در «خود اکنون» است. به زبان ششپا روایت یک سرگذشت در یک نقاشی، چنین حالتی مفاهیم نقطه، خط، سطح و حجم را بسیار سنگین‌تر می‌کند. گویی یک نقطه یا خط می‌تواند روای حوادث و

دگرگونی‌های سوزه‌هایم در طی سال‌ها باشد.»

هنر

● **گروه هنر: «تام هنسک»** پس از گذراندن دوره

نقاحت ابتدا به ویروس کرونا، به‌عنوان مجری میهمان از خانه‌اش برنامه «شوی زنده تلویزیونی شنبه‌شب» را اجرا کرد. این برنامه که پس از شیوع ویروس کرونا برای مدتی تعطیل شده بود، در اولین ایژود جدید خود با حضور «تام هنسک» به‌عنوان مجری میزبان همراه شد و این بازیگر برنده اسکار از آتشیزخانه خانه‌اش به اجرای برنامه پرداخت. این اولین‌بار در تاریخ ۴۵ ساله «شوی زنده شنبه‌شب» است که این برنامه تلویزیونی از محلی غیر از استودیوی اصلی آن روی آنتن می‌رود. آخرین‌بار در تاریخ ۷ مارس (پیش از یک ماه پیش) بود که این برنامه تلویزیونی به صورت معمول در «استودیو ۵H» راکفلرستر اجرا شده بود.